

جامعه باب ۴تا۶

* (کلیسای مرکزی - یکشنبه ۱۵ مه ۲۰۲۲) *

دعا

خیلی خوب است که امروز صبح در کنار شما هستم از اینکه من را دعوت کردید بسیار سپاسگزارم همچنین از اینکه از من خواستید که جامعه را موعظه کنم سپاسگزارم. نمی توانم بگویم که وقتی تیم در ابتدا از من خواست که برای شما موعظه کنم (مخصوصاً که ۳ فصل به من داد تا با آنها کار کنم) این همان چیزی بود که در واقع فکر کردم، اما با گذراندن مدتی در کتاب برای آماده شدن برای امروز صبح، واقعاً فکر می کنم که شما این سریال در چند هفته آینده ادامه خواهد داشت.

اکنون بیدیهی است که بگویم من برای چند خطبه اول با شما نبوده ام و از آنجایی که اینجا نبوده ام همچنین نمی خواهم تصور کنم که همه شما هر هفته اینجا بوده اید. منظورم این است که ممکن است شما هم مثل من امروز در کلیسا باشید یا در هفته های قبل نبوده اید.

و بنابراین، با در نظر گرفتن این موضوع، اجازه دهید قبل از اینکه به این فصل ها بپردازیم، یک تصویر بزرگ از جایی که در داستان بزرگ انجیل هستیم و کجا! در جامعه هستیم به شما ارائه دهم - زیرا فکر می کنم که دانستن تصویر بزرگ به ما کمک می کند. به جزئیات برسیم و من قول می دهم، طولی نخواهد کشید

... بنابراین، حداقل تا آنجا که من می توانم بگویم، پیشینه کلیدی که برای درک جامعه نیاز دارید این است من و شما برای ارتباط با خدا ساخته شده ایم. بنابراین اگر شما کتاب مقدس را بشناسید، خواهید دانست که با روایت آدم و حوا به عنوان اولین انسان ها شروع می شود و با شروع زندگی، در حضور خدا به برکت خداوند آغاز می شود. نویسنده کتاب پیدایش این تصویر از بهشت را برای ما ترسیم می کند که آدم و حوا به برکت خدای بسیار خوب در باغ بسیار خوب عدن قدم می زنند، آنها با هم دوست بودند، با خدا دوست بودند و با یکدیگر دوست بودند و دل هایشان از دنیا راضی بود. دنیایی بود که همه ما می خواهیم.

از هر نظر عالی بود

مشکل اینجاست که در ادامه داستان، آدم و حوا فریب می خورند و باور می کنند که خدا به جای اینکه برای آنها باشد، در واقع مانع آنها شده است که علیرغم زندگی در دنیایی عالی، اگر دستور العمل های سازنده شان را نادیده بگیرند، می توانند خیلی بیشتر باشند. راه خود را رفتند و آدم و حوا دروغ را باور کردند، کلام خدا و دستورات خدا را رد کردند و با این کار همه چیز را خراب کردند! خداوند در خشم خود آنها را از عدن بیرون کرد، از حضور خود و از برکت او دور کرد

و در خارج از عدن

خوب... چیزها آنطور که برای کار طراحی شده اند کار نمی کنند، دنیا به جای اینکه تحت برکت خدا قرار بگیرد، اکنون نفرین را تجربه می کند، یعنی همه چیز آنطور که هست کار نمی کند. قرار بود کار کنیم، زندگی به جای آسان بودن پیوند سختی قرار گرفته و این هم برای من و تو مهم است

از آن زمان تا کنون تک تک ما در خارج از عدن متولد شده ایم

زندگی با خدا و خارج از قناعت شرح آفرینش پیدایش به جای اینکه یک کتاب راهنمای علمی باشد، در واقع توضیحی است درباره اینکه چرا همه چیز اینگونه است که چرا کار نمی کند، چرا همه چیز آسیب می زند، چرا زندگی سخت است، چرا آیه ۱ از باب ۴ "فقیران تحت ستم هستند و به نظر می رسد هیچ کس به اندازه کافی برای حل کردن آن اهمیتی ندارد" و چرا ما اینقدر ناراضی هستیم - آیا تا به حال فکر کرده اید که چرا بهتر از همیشه در ارتباط هستیم، ثروتمندتر، ایمن تر و سالم تر هستیم و در عین حال به ظاهر افسرده تر، مضطرب تر و بیشتر هستیم

نیاز به مشاوره بیش از هر زمان دیگری؟

خوب، کتاب مقدس همه چیز را به شما می گوید زیرا از همان لحظه آدم و حوا درست در آغاز رابطه علوم انسانی با خدا، داستان کتاب مقدس در واقع داستان نوع بشر - داستان من و شما داستان تلاش ما بوده است. برای بازگشت به عدن بازگشت به دنیایی که همه ما می خواهیم. چنگ زدن به چیزهای بیشتر، زیرا همانطور که باب ۳ و آیه ۱۱ جامعه که هفته گذشته به آن نگاه کردید، می گوید: "خدا ابدیت را در قلب انسان قرار داده است"، یعنی ما برای چیزهای بیشتری طراحی شده ایم، ما به طور غریزی می دانیم که زندگی چیزهای بیشتری از این دارد. . که ما برای بهتر ساخته شده ایم. ما برای وجودی ابدی بهشتی در حضور خداوند خالق خود ساخته شده ایم

و اگر دلیلی برای آن می‌خواهیم که می‌گویید این مرد معروف به معلم، صدای اصلی در کتاب جامعه، پس در آرزوی بازگشت به آن بهشت، به این که چگونه زندگی می‌کنیم و برای چه چیزی زندگی می‌کنیم، نگاه نکنید. ما به دنبال ساختن بهشت خود بر روی زمین هستیم.

می‌بینید که اکنون به کتاب جامعه می‌رسیم، چیزی که باید بدانیم این است که این اصولاً معلمانی است که در مورد آنچه ما نیاز داریم تا ما را به آرامش روح خود بیاوریم که توسط والدین اول ما در عدن گم شده بود، فکر می‌کنند. آنچه ما برای برآوردن آرزوهای آسمانی خود به آن نیاز داریم و معلم در سراسر کتاب در حال مشاهده جهان پیرامون خود است، او به دنبال آنچه مردم برای به ارمغان آوردن آرامش و رضایت و آرامش برای روحشان تلاش می‌کنند و نتیجه‌گیری خود را پس از مشاهدات بسیار گسترده و برخی از مشاهدات خود مشاهده می‌کند. آزمایش‌های خود در باب ۲، این است که چیزهایی که ما به دنبال آن هستیم تا بهشت را بر روی زمین برای ما به ارمغان بیاورند، بارها و بارها ما را ناکام خواهند گذاشت و به خودی خود ممکن است چیزهای خوبی باشند، ممکن است چیزهای ضروری باشند، حتی ممکن است چیزهای لذت بخش باشند، اما به عنوان وسیله‌ای برای بازگرداندن ما به عدن، به عنوان وسیله‌ای برای ساختن بهشت روی زمین، به عنوان وسیله‌ای برای ارضای روح خود به آیه ۴ از باب ۴ خوب نگاه کنید یکی از محبوبترین معلم‌ها این است که همه‌اش «بیهودگی و تلاش در پی باد» است و گذر امروز صبح ما در واقع هیچ تفاوتی ندارد، زیرا معلم چند چیز را هدف قرار می‌دهد که برای ما خوب به نظر می‌رسند، در حالی که ما به دنبال ساختن بهشت روی زمین هستیم، اما بار دیگر چیزهای کمی ارائه می‌کنیم.

پس بیایید در آن غوطه‌ور شویم و نگاهی بیندازیم و ببینیم که آیا خودمان را در بیهودگی معلمانی می‌شناسیم زیرا ابتدا معلم در مورد دنیای کار و امور مالی صحبت می‌کند. حالا می‌خواهم این‌طور شروع کنم که معلم در مورد کار در باب ۵ کاملاً مثبت است. کار وقتی آن را در جای درست خود قرار می‌دهیم چیز خوبی است، بنابراین به آیه ۱۸ نگاه کنید: «ببینید آنچه که خوب و مناسب دیدم، خوردن است. و بنوشید و از تمام زحمتی که در آن چند روز از عمری که خدا به او عطا کرده زیر آفتاب زحمت می‌کشد لذت ببرید، زیرا نصیب او همین است. ۱۹ هرکسی که خدا مال و دارایی و قدرتی برای بهره‌مندی به آنها داده است و «پذیرفتن قرعه‌ی او و شادی از زحمات او، این هدیه خداوند است»

یعنی اگر شغلی دارید که به شما امکان می‌دهد ثروت به دست آورید و دارایی بخرید، اگر شما را به مقامی بر دیگران هدایت کند، از مزایای آن بهره‌مند شوید، از نعمت لذت ببرید خداوند در فضل خود به شما این نعمت را داده است اما مشکل اینجاست که معلم می‌گوید اغلب ما از کار و عواید کارمان لذت نمی‌بریم، زیرا به جای اینکه یک موهبت باشد، کار را به قلمرو نفرین وارد می‌کنیم و آن را به چیزی تبدیل می‌کنیم که فکر می‌کنیم ما را به بهشت می‌آورد. پس به باب ۴ آیه ۴ نگاه کنید - "سپس آن را دیدم همه زحمت‌ها و مهارت‌ها در کار از حسادت همسایه‌اش ناشی می‌شود". تعطیلاتی که آنها دوست دارند، ماشین‌هایی که در حال رانندگی هستند، لباس‌هایی که می‌پوشند، مدارسی که بچه‌ها آنقدر در آن شرکت می‌کنند که در واقع به جای اینکه نعمتی برای ما باشند، ما را به دام می‌اندازد و ما را در این زندگی پر زحمت حبس می‌کند. نه از شادی بلکه از حسادتی که می‌گوید بهشت من روی زمین باید بهتر از آسمان آنها باشد یا آیه ۷ وجود دارد و شخصی که آنقدر در شغل خود مشغول است مطمئن است که کار و پولی که از شغل خود به دست می‌آورند به نحوی آنها را برآورده می‌کند و حتی ممکن است انگیزه‌های خوبی برای تأمین خانواده خود داشته باشند تا فقط بهشت روی زمین را نسازند. خودشان اما آن را برای دیگران هم می‌سازند، اما ببین چه اتفاقی می‌افتد - ناگهان متوجه می‌شوند که کارشان آیه ۸ بسیار فرسوده بوده است و باعث انزوا و تنهایی آنها شده است. بچه‌هایشان بزرگ شده‌اند، خانواده‌هایشان از هم دور شده‌اند. از ثروت راضی است، بنابراین هرگز نمی‌پرسد: «برای کی زحمت می‌کشم و خودم را از لذت محروم می‌کنم» داستان یک معتاد به کار کلاسیک است که تلاش می‌کند تا حساب بانکی خود را پر کند. حتی با انگیزه‌های خوب برای به اشتراک گذاشتن آن با دیگران - اما متوقف نشدن برای لذت بردن از زندگی یا افرادی که در زندگی خود هستند.

و البته گره خوردن با کار می‌تواند این حس به جا گذاشتن یک میراث باشد. انجام کاری که امیدواریم تأثیری ماندگار بر جهان بگذارد تا نام ما برای همیشه زنده بماند. برخی از ما امیدواریم که با اطمینان از اینکه زمان ما روی زمین بیهوده نبوده است، معنایی به دست آوریم. در آیه ۱۳ از فصل ۴ به ما گفته می‌شود که جوانی عاقل است که بر خلاف یک پادشاه احمق، قد می‌کشد و از زندان به زندان می‌رود. تاج و تختی که او بیشتر از خودش می‌سازد، خود را در موقعیتی قرار می‌دهد که میراث عظیمی از خود به جا می‌گذارد، به طوری که آیه ۱۶ "مردمی که همه آنها را رهبری می‌کرد پایانی نداشت. و با این حال معلم می‌گوید کسانی که بعداً می‌آیند، خواهند آمد. با او شادی نکن" زیرا چه آسان ما - حتی پادشاهان - فراموش می‌شویم. دولت‌ها می‌آیند دولت‌ها می‌روند، ایده‌ها می‌آیند ایده‌ها می‌روند، ابتکارات شروع می‌شوند ابتکارات پایان می‌یابند - و ممکن است درخشان باشند، اما نه به عنوان آرامشی برای روح شما، اگر شهرت، میراث ماندگار چیزی است که به دنبال آن هستید، سپس معلم می‌گوید بیهودگی و تلاش برای رسیدن به آن است. باد و در مورد خود پول چطور؟ خوب، آیه ۱۰ از باب ۵، معلم به ما می‌

گوید کسانی از ما که پول دارند، هرگز راضی نمی شوند، "کسی که پول را دوست دارد، از پول راضی نمی شود، و کسی که ثروت را از درآمد خود دوست دارد، این نیز باطل است." علیرغم آنچه اغلب خود را متقاعد می کنیم، هرگز آرامش خود را در ثروت نمی یابیم زیرا پول بسیار اعتیادآور است

آوردن صلح فقط نارضایتی عمیق ما را به همراه دارد. از جان اف راکفلر یکی از ثروتمندترین افراد تاریخ، یک بار از او پرسیده شد که چقدر پول نیاز دارید تا خوشحال شوید؟ و پاسخ او ... "فقط کمی بیشتر اما این چیزی است که معلم - آیه ۱۶ از باب ۵ می گوید: برای همه افراد ثروتمند که ثروت دارند همانطور که آمد، پس باید بروند.

بله آنها ممکن است هزینه مراقبت های بهداشتی خصوصی را بپردازند، ممکن است بهترین پزشکان را دریافت کنند، حتی ممکن است عمر خود را طولانی کنند. چند سال دیگر اما در نهایت پول آرامش را در مرگ به ارمغان نمی آورد. این یک کوشش در پی باد است

معلم می گوید: اگر به دنبال آرامش هستید، برای آرامش روحتان، برای رضایت در این زندگی کار و پول در حالی که چیزهای خوب نمی توانند شما را به ارمغان بیاورند... نگاه به آرامش از جانب آنها مانند تعقیب باد است

و من فکر می کنم که شما واقعاً از شنیدن این حرف امروز متعجب نیستید - منظورم این است که تصور من این است که در اعماق عقلانی ترین لحظاتم می دانم که اینطور است - ما به طرز درخشانی خودمان را متقاعد می کنیم در غیر این صورت، اینطور نیست؟ همانطور که ما به دنبال یافتن رضایت عمیقی هستیم که برای آن ساخته شده ایم. اما همانطور که از خود سؤالات سختی می پرسیم: آیا کار واقعاً رضایت کاملی را که می خواهیم برای من به ارمغان می آورد؟ آیا این همه ی آن چیزی است که من امیدوار بودم، آیا آن را ارائه می دهد، آیا همان است پرداخت چک به اندازه کافی؟ آیا کار به من خدمت می کند یا من در خدمت کار هستم، آیا آن وضعیتی را که می خواستم برای من به ارمغان آورده است؟

سپس حتی اگر ما عاشق مشاغلمان باشیم و حتی اگر آنها واقعاً حقوق خوبی دارند، فکر می کنم ممکن است برخی از حقایق دشوار را پیدا کنیم. و اگر امروز در اینجا دانشجوی هستید و به سختی برای شغل رویایی خود مطالعه می کنید، اجازه دهید شما را به آنچه چند لحظه پیش گفتم بازگردانم، کار خوب است - پس به کار خود ادامه دهید، اجازه ندهید همه جاه طلبی های شما را ترک کنم، بلکه فقط بشنوید که اگر امیدوارید شغل رویایی شما همه چیز را در زندگی شاداب کند - معلم اینجا می گوید که نمی تواند

و لطفاً من در اینجا به کسانی که هوس رضایت در کار و پرداخت چک می کنند انگشت نمی زنم، زیرا در این یکی افسانه ای هست در گوش دادن به زمزمه های دنیايمان که به ما می گوید راضی هستیم اگر بیشتر تلاش کنیم، کسب درآمد کنیم، آرامش بهشتی خواهد آمد. بیشتر، بهتر پس انداز کنید، بزرگتر بخرید، جدیدتر، براق تر

این برای من یک کلمه در فصل است - در واقع فکر نمی کنم زمانی بوده است که مجبور به شنیدن این موضوع نشده باشم. بنابراین من انگشت نشان نمی دهم، اما می توانم به نارضایتی ای که پس از انجام خرید و وارد شدن به کار بعدی به وجود می آید شهادت دهم، می دانم که ناامیدی تعقیب شغل رویایی و یافتن آن مشکلات خاص خود را دارد و دل دردها، همه چیز شامپاین و گل رز نیست. - عدم جستجوی بهشت در کار و ثروت باطل آن در تعقیب باد

و من می دانم که اکنون به چه چیزی فکر می کنید. مخصوصاً اگر مدت زیادی در اطراف زندگی کلیسا بوده باشید - همه شما به این فکر می کنید که آه، ما می رویم، معلم جامعه، ترفند قدیمی کلاسیک را انجام داده است

بتی که نشان می دهد بیهوده است که به آن امید داشته باشیم و سپس رونق بگیریم، با اسم دینی خود به ما ضربه می زند و امید و خوشبختی را از طریق دین نوید می دهد

و صادقانه بگویم این همان چیزی بود که من هم انتظارش را داشتم. مثل اینکه امیدوار بودم کمی ظریفتر از آن باشد. اما اساساً از این قسمت انتظار چنین چیزی را داشتم. به پول اعتماد نکن به دین اعتماد کن برو کلیسا روزهای خوشی خواهی !! داشت.. خوب برو

و، البته - شما در یک کلیسا هستید و در کلیسای هستید که واقعاً معنقد است راهی برای آرامش روح شما وجود دارد بنابراین ما به آنجا خواهیم رسید، اما نه قبل از اینکه با باب ۵ کشتی بگیریم، زیرا به دور از آن است که معلم به سادگی در جهان بیرون باشد

او اکنون برمی گردد تا با همان سطح موشکافی به جهان اینجا و باب ۵ آیه ۱ زندگی در خانه خدا - که برای ما زندگی در کلیسا است - نگاه کند و همانطور که می بینیم معلم اینجا می گوید که آنجا راهی است که زندگی مذهبی می تواند به همان اندازه که امید به مال و کار باشد بدرقه باد هم باشد

اولاً به این دلیل که؛ دینی که صحبت می کند اما گوش نمی دهد، دین احمق ها است. به دستورات معلم در آیه ۱ نگاه کنید: "وقتی به خانه خدا می روید قدم های خود را ننگه دارید. نزدیک شدن برای گوش دادن بهتر از قربانی کردن احمقان است، زیرا آنها نمی دانند که آنها بد می کنند. با دهان خود عجل نشوید و دلتان برای گفتن سخنی در حضور خدا عجله نداشته باشد، زیرا خدا در آسمان است و شما در زمین

معلم در اینجا بازدیدکنندگان کلیسا را هدف قرار می دهد که با نظر خود در مورد اینکه خدا چه کسی باید باشد و چگونه باید عمل کند نزد خدا می آید. چیزی که به نوعی داستان کلیسا در بریتانیا است، در حالی که کلیساها، رهبران کلیسا و جماعات کلام خدا را دوباره تعریف می کنند تا با ایده خود در مورد اینکه خدا کیست مطابقت داشته باشد. با داشتن رویاها و جاه طلبی های خود در آیه ۳، آنها با خدا مانند جنی در چراغی رفتار می کنند که وقتی چیزی می خواهند او را روشن می کند. اما بیشتر فقط به کلیسا می آید تا بتواند به آنها و ایده های آنها خدمت کند. آنها به رویاهایشان امید دارند، اخلاقتشان خواسته هایشان است و با انجام این کار می بینید که آنها در واقع خود را بالاتر از خدا در نظم نوک زنده زندگی قرار می دهند، درست مثل آدم و حوا. "واقعا خدا گفت؟"

آخر این کسی است که از خدا بهتر میدانند... به همین دلیل است که معلم آیه ۲ باید به آنها یادآوری کند که چه کسی در زمین است و چه کسی در بهشت - می گوید جای خود را بدانید. آمدن به کلیسا با یک نگرش نامآمده برای گوش دادن، قربانی کردن احمقان است - این حماقت است. اگر به سوی خدا می آیی و به او گوش نمی دهی - ادعای دین می کنی، اما نمی توانی از رابطه ناراحت شوی، ادعا می کنی که مسیحی هستی اما زندگی ات هیچ شباهتی به زندگی ندارد که خدا تو را هم صدا می کند. مطمئناً آن آرامشی را که می خواهید برای شما به ارمغان نمی آورد، زیرا شما به سادگی خدا را در تصویر خود بازتعریف می کنید. زیرا از مقدمه ما به یاد داشته باشیم رابطه با خدایی که شما را با کلام خود آفریده است و نه خدایی را که در کلمات خود ایجاد کرده اید که هوس کرده اید و بنابراین آیه ۱ نزدیک شدن به گوش دادن به خدا بهتر از این است که فقط ظاهر شوید و صحبت کردن بر سر خدا دین بدون فکر انسان محور به عنوان وسیله ای برای یافتن آرامش برای روح شما، غرور است، کوشش در پی باد. همانقدر غرور است که دنبال ثروت باشید

و معلم با بررسی خود از دین تمام نشده است زیرا ثانیاً او کسانی را هدف قرار می دهد که خدا را آنقدر کوچک می کنند و فقط به او لیبیک می گویند مگر اینکه آنها برای تحقق آرزوهای خود به او نیاز داشته باشند آیه ۷ پس به آیه ۴ بنگرید "وقتی تو با خدا نذر داری پس ادای آن را به تأخیر نینداز، زیرا او از احمق ها لذت نمی برد، آنچه را که نذر کرده ای ادا کن". اینجا دوباره یک بازدیدکننده کلیسا است که به کلیسا می آید و همه نوع وعده ها را در پیشگاه خدا می دهد، اما به نوعی فراموش می کند که آنها چیزی گفته اند. این کاندیدای غسل تعمید است که می ایستد و قول می دهد که به مسیح اعتماد کند و اگر شرارت را کنار بگذارد فقط مسیح آنها را نجات می دهد، اما کسی که بیرون می رود و طوری زندگی می کند که گویی غسل تعمید آنها هرگز اتفاق نیفتاده است شخصی است که خود را مسیحی می نامد اما زندگی او چیزی از ایمانی که آنها ادعا می کنند منعکس نمی کند، یا کسی که می گوید خدایا اگر این کار را می کنی برای من، پس من این کار را برای شما انجام خواهم داد، اما به نوعی اجازه می دهد تا پایان معامله از بین برود. هر سه فقط به خوبی خدا را فرض می کنند، اما قضاوت او را فراموش می کنند، قضاوتی که تیم هفته گذشته از آن صحبت می کرد. خدا برای آنها فقط یک شبکه ایمنی است که در نهایت همه چیز را درست می کند، اما می تواند در قفسه کتاب زندگی بماند تا زمانی که زمان آن فرا رسد که او را برای آن درخواست بزرگی که داریم، بفرستیم. و دوباره معلم می گوید این روش احمقانه ای برای زندگی است. چرا باید خدا عصبانی شود و کار دستان شما را نابود کند آیه ۶

بنابراین معلم می گوید همه صحبت ها را انجام نده و خدا را فراموش نکن و در عین حال تصور می کند که خدا در پایان برای شما برنده خواهد شد - چه حماقتی

نه در عوض می گوید معلم آیه ۱ با آیه ۲ و ۷ به گوش دادن نزدیک شوید یک درک درست، یک احترام درست، یک ترس درست از اینکه خدا کیست و ترس در اینجا به معنای تشخیص این است که خدا در بهشت است و شما روی زمین هستید، عمق او را درک کنید. بزرگی و عظمت این است که خداوند سزاوار وزن است و نه پیش پافتادگی که خدا عادل و قضاوت می کند و بنابراین حماقت است که او را در قفسه ای بگذاریم تا در مواقع نیاز بیرون بیاوریم نزدیک شوید تا با احساس ترس درست گوش کنید و همانطور که این کار را انجام می دهید، دوستان ما در مسیر زندگی عاقلانه هستیم، در مسیر یافتن آرامش برای روح خود هستیم. وقتی اذعان می کنیم که خدایی در بهشت وجود دارد و سپس وقتی شروع به گوش دادن به او می کنیم، راه خود را به سوی ابدیت پیدا می کنیم، همان طور که می شنویم می توانیم برای روح خود آرامش پیدا کنیم. خدایا در مورد اینکه چگونه می توانیم راه خود را به سوی ابدیتی که روح هایمان می خواهد هموار کنیم، چگونه می توانیم به آن عدن بازگردیم، مثل لذت بردن از بهشتی که در آن بشریت ممکن است روزی با خدا و او با ما در آن دنیایی که همه ما می خواهیم ساکن شود

و چگونه است که به خدا گوش می دهیم کجا او را ملاقات می کنیم و صدای او را می شنویم؟ خوب، کتاب مقدس خود را با من همراهی کنید، آیا شما به عبرانیان باب ۱ مراجعه کنید و به آنچه نویسنده این نامه می گوید گوش دهید: "خداوند مدت ها پیش، بارها و بارها و به طرق مختلف، به وسیله انبیا با پدران ما صحبت کرد، ۲ اما در این روزهای آخر به وسیله پسرش با ما صحبت کرده است

آیا برای روح خود آرامش می خواهید؟ دلت می خواهد و
هوس چیزی که بهتر است؟ شما قدرت می خواهید برای
امروز و امید روشن به فردا معلم خوب می گوید؛ بیا

..به خدا در شخص عیسی گوش دهید. چون موضوع اینجاست
همانطور که عیسی ظاهر می شود، شروع به تبدیل شکستگی های این جهان می کند
وارونه... شکسته ها را درست می کند، مطرودان را باز می گرداند، او شرم را از بین می برد، امید را باز می گرداند، فصل ۴
آیه ۱ به ستمدیدگان دلداری می دهد و هر کجا که قدم می زند، دنیای اطرافش کمی درخشان تر به نظر می رسد، کمی بیشتر
شبیه به عکس عدن. و چون تمام آنچه را که می گوید انجام می دهد و در سخنان خود به کسانی که می شنوند راه و حقیقت و
حیات او چگونه آب حیات است می آموزد به آنها اشاره می کند که نزد او بیایند تا آرامش پیدا کنند. او به شنونده خود آموزش
می دهد که زندگی بهشتی چگونه است، جایی که مردم می دهند و نمی فهمند، جایی که رحمت و عدالت حاکم است، جایی که
عدالت حاکم است و صلح برقرار است و سپس می گوید من دروازه ای هستم که می خواهید به حضور خود بازگردید. خدایا آن
ابدیتی را که روحت آرزویش را دارد می خواهی بیا دنبال من و من تو را به آنجا هدایت خواهم کرد. (این همان چیزی است که
کریس امروز ادعا کرده است که از عیسی پیروی خواهد کرد همانطور که عیسی وعده داده است که او را به خانه برساند

البته راه عیسی تا ابدیت همان صلیب است که در آن می میرد تا خشم خدا را برای زندگی خودمان بگیرد، گویی خدایی وجود
ندارد، اما همانطور که او این کار را به خوبی انجام می دهد، سد بهشت را که همه ما تجربه می کنیم، می گشاید و بنابراین همه
کسانی را دعوت می کند که این کار را انجام دهند. به دنبال او به خانه بیایید
پس دوستان بیایید به سخنان عیسی گوش دهیم - او بسیار بهتر از ثروت کار یا دین است - به عنوان کسی که قول می دهد ما را
از دره سایه مرگ به امیدی که ماورا نهفته است هدایت کند و همانطور که خوب صبر می کنیم، می توانیم با رضایت منتظر
بمانیم، می توانیم منتظر بمانیم و درک کنیم که می توانیم امروز به عنوان شهروندان بهشت زندگی کنیم - و اجازه دهیم آرامشی
که فراتر از درک است در اعماق قلب ما حاکم شود و بدانیم که ابدیت ما امن است، خواسته های قلب برآورده شده است و امید
فراوان است
بیا دعا کنیم

در نام خداوندمان عیسی مسیح
آمین